



سومین دوره «جایزه کتاب سال مهندس مهدی بازرگان»

مراسم سومین دوره «جایزه کتاب سال مهندس مهدی بازرگان» از سوی «بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان» برگزار شد و برگزیدگان سومین دوره جایزه کتاب سال آن مرحوم اعلام شدند و مورد تقدیر قرار گرفتند. در این مراسم جمعی از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی از جمله محمدتوسلی، محمدحسین بنی‌اسدی، علیرضا علوی تبار، فیض‌الله عرب‌سرخی، محسن‌آرمین، مهدی معتمدی‌مهر، دکتر میرموسوی، محمدجواد مظفر، حسین نورانی‌نژاد، سیدابوالفضل موسویان، عبدالرحیم سلیمانی‌اردستانی، حسین رفیعی، داود سلیمانی، فرید طاهری، علی‌اکبر بدیع‌زادگان، عماد بهاور، علی پیرحسینلو... حضور داشتند.

بازرگان و اندیشه بالنده و ماندگارش

محمدجواد مظفر، مدیر نشر کویر و عضو هیئت‌مدیره بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در ابتدای این نشست گفت: «مرحوم مهندس بازرگان به‌رغم همه مشغله‌هایی که در طول عمر خود داشت از نوشتن غافل نشد. از نگاه من، ایشان از نمونه‌های برجسته در عصر ماست. مردی که تحصیل علم کرد در دانشکده فنی، استاد و رئیس دانشکده شد، در فعالیت‌هایی چون خلع بد انگلیس‌ها در ماجرای نفت، در مسئله آب تهران، اقداماتی که ایشان داشت و بعد نیز در جریان وقایع سال‌های دهه ۱۳۳۰ و تشکیل نهضت آزادی ایران، اقدامات بزرگی رقم زد. بعداً در زندان نیز در باب شناخت قرآن، کتاب ارزنده‌ای در حوزه شناخت کلام وحی داشت.» وی در ادامه افزود: «ایشان در تمام طول عمر خود به نهادهاسازی، توجه جدی و ویژه داشت. این کار عجیب و بزرگی بود که ماندگار بود. انجمن اسلامی مهندسین از جمله نهادهایی است که مرحوم بازرگان و یاران‌شان به وجود آوردند. ایشان، صرفاً حرف نزد و عمل کرد. کسی نبود که بتواند در قامت مهندس بازرگان، کسوت نخست‌وزیری را بپذیرد. او گمان داشت که با پذیرش این مسئولیت، ایجاد تعدیل کند. از نگاه من، مهندس بازرگان بسیار تنها بود. او معتقد بود که نظام عالم هستی، نظام تدریج است و باید گام به گام عمل کنیم. نزدیک به ۲۰ سال پس از این سخنان، ما شاهد پدیده‌ای به نام اصلاحات بودیم. سیاست اصلاحات، هیچ نبود، جز سیاست گام به گام. ما امروز نیز بعد از ۴۶ سال به این نتیجه می‌رسیم که باید اصلاحات صورت بگیرد. البته این اصلاحات باید ساختاری باشد.» مظفر تصریح کرد: «وقتی که امام در روز دهم اسفند گفت که ما اتوبوس را برای طبقه متوسط و آب و برق را مجانی می‌کنیم. ایشان به امام گفته بود که آقا! وقتی می‌خواهید مسئله‌ای را مطرح کنید با ما هماهنگ کنید. چگونه ما چنین اتفاقی را رقم بزنیم؟ اندیشه و فکر ایشان بالنده و ماندگار است. میزبانی و سانسور، سال‌هاست دامنگیر ما در انتشار آثار مهندس بازرگان شده است. کتاب، تنها مقوله‌ای است که محکوم به اعدام می‌شود و ما حتی نمی‌دانیم چه کسانی این حکم را صادر کرده‌اند!»

منتخبین کتاب سال

پس از آن علی‌اکبر بدیع‌زادگان عضو هیئت‌مدیره بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان که در انتشار مجموعه آثار آن مرحوم نقش داشته است، در سخنانی با اشاره به خلاصه‌ای از روند تأسیس بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان و فعالیت‌های صورت گرفته در آن، این بنیاد را نهاد موثری در نشر و معرفی آثار علمی و قرآنی ایشان دانست و به شرح برخی از این فعالیت‌ها پرداخت. همچنین، پرسو سرمدی، مدیرعامل این بنیاد به ارائه گزارشی از روند اعطای جوایز این بنیاد در سال‌های اخیر پرداخت. پس از این سخنان برگزیدگان سومین جایزه کتاب سال مهندس مهدی بازرگان اعلام شدند و با تقدیم تندیس مهندس بازرگان، لوح تقدیر و مجموعه آثار مهندس بازرگان از سوی هیئت‌مدیره بنیاد مهندس بازرگان مورد تقدیر قرار گرفتند. بدین ترتیب بر اساس نظر هیئت داوران جایزه کتاب سال مهندس بازرگان، کتاب «پیدایش مفاهیم اسلام سیاسی در ایران معاصر» نوشته آرش صفری و منتشر شده از سوی نشر نی به عنوان کتاب سال در حوزه روشنفکری دینی برگزیده شد. همچنین کتاب «ظهور استبداد مدرن در ایران» نوشته علی رهنما و ترجمه پوری پرنودش و منتشر شده از سوی انتشارات نگاه معاصر، به عنوان کتاب سال در حوزه «اصلاح فرهنگ استبدادی و بسط دموکراسی» انتخاب شد. کتاب «سیاست در قرآن» تألیف سیدابوالفضل موسویان و منتشر شده از سوی انتشارات دانشگاه مفید، نیز در بخش روشنفکری دینی از سوی هیئت داوران شایسته تقدیر شناخته شد.



ترور رزم‌آرا کار «حضرت» بود یا «اعلی‌حضرت»؟! رمزگشایی از یک معمای سیاسی در آغاز هفتاد و پنجمین سال پس از واقعه

تنگس: مرکز بررسی اسناد تاریخی



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

امسال هم در سال‌روز ترور سپهبد حاجعلی رزم‌آرا (۱۶ اسفند) در برخی رسانه‌ها و گروه‌هایی در فضای مجازی این پرسش به میان آمد که آیا واقعاً فداییان اسلام و به دست خلیل طهماسبی نخست‌وزیر را در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی کشتند یا گلوله از جایی دیگر شلیک شد و جان رزم‌آرا را گرفت یا شاید هم به دست او مأموریتی از جانب شخص شاه بوده است؟

بهره‌برداری هوش‌مندانه دکتر مصدق از حذف نخست‌وزیر مخالف ملی شدن صنعت نفت به برخی این امکان را بخشیده تا ترور را نه با شاه یا فداییان اسلام که به مصدق نسبت دهند؛ خاصه اینکه بعدتر و در دولت او طهماسبی مشکلی نداشت. این فرضیه اما هنگامی باطل می‌شود که بدانیم رابطه فداییان اسلام با مصدق شرکاب بود؛ چندان که سال بعد در ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ فاطمی را ترور کردند.

ترورها و مرگ‌های مشکوک سیاست‌مداران برجسته دهه‌ها ذهن پژوهش‌گران و روزنامه‌نگاران را به خود مشغول می‌کند و خاص کشور ما هم نیست؛ چندان که در آمریکا نیز به تازگی با فرمان دونالد ترامپ برای آزادسازی اسناد محرمانه ترور جان. اف. کندی رئیس‌جمهوری ایالات متحده در آغاز دهه ۴۰ خورشیدی این بحث تازه شده است.

درباره ترور رزم‌آرا همواره سناریوهای مختلفی طرح شده بود هر چند اگر در همان چند ماه اول بعد از سقوط رژیم شاه به مصاحبه مجله «رگبار امروز» در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ با

وکیل تسخیری نواب صفوی بیشتر استناد می‌شد تردیدی باقی نمی‌ماند که شاه در جریان بوده و احتمالاً رزم‌آرا به دست یکی از محافظین کشته شده؛ در حالی که خلیل طهماسبی هم اقدام به ترور کرده بود ولی گلوله او نبود که بر تن نخست‌وزیر نشست و جالب اینکه تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با او به مثابه یک قهرمان برخورد می‌شد.

در سال ۱۳۳۴ نواب صفوی دستگیر و در دادگاه محاکمه می‌شود و دکتر شایان‌فر و کالت تسخیری او را بر عهده می‌گیرد. او در آن مصاحبه که بعد از انقلاب انجام و در شماره ۴ مجله «رگبار امروز» منتشر شد، چنین می‌گوید:

«نواب در یکی از جلسات دادگاه [خطاب به قاضی] گفت در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا، من و سید ابوالحسن واحدی تقاضای ملاقات با شاه را کردیم. در این ملاقات از فساد موجود در مملکت به شاه شکایت کردیم و گفتیم او که خود را مسلمان می‌داند چرا جلوی این همه فساد و هرزگی‌ها را نمی‌گیرد؟ بعد افزودیم قصد ما نابود کردن مسببین فساد است. شاه در جواب وجود فساد را قبول کرد اما تمام تقصیرها را متوجه رزم‌آرا کرد. موقعی که سخنان نواب‌صفوی به این‌جا رسید رئیس دادگاه رنگ‌زد و دادگاه را تعطیل کرد. بعد از ۲۴ ساعت که دادگاه دوباره تشکیل شد من از نواب‌صفوی پرسیدم بعد از تعطیلی دادگاه به او چه گذشت؟ نواب گفت: مرا به اتاق سپهبد آژموده بردند. آژموده به من پرخاش کرد و گفت چرا اسم شاه را مطرح کردی؟ و گفت: تو کوچک‌تر از آن هستی که شاه با تو ملاقات کند. بعد دستور داد مرا در اتاقش به شلاق بستند.»

این را محمد ترکمان -تاریخ‌پژوه- هم در کتاب «اسرار قتل رزم‌آرا» نقل کرده است.

دکتر کریم سلیمانی دهکردی دانش‌یار گروه تاریخ

دانشگاه شهید بهشتی هم بر اساس اسناد تازه‌منتشره مرکز اسناد انقلاب اسلامی این نظریه را قوی‌تر می‌داند که رزم‌آرا با گلوله خلیل طهماسبی از پا درنیامده بلکه با شلیک یکی از محافظین خود به قتل رسیده است.

از خاطرات خانم نیره‌السادات احتشام‌رضوی، همسر نواب صفوی نیز این امر قابل استنباط است. آنجا که می‌گوید: «شاه می‌دانست که نواب در مقابل رزم‌آرا سکوت نخواهد کرد. شواهد نشان می‌داد اگر فداییان موفق به نابودی رزم‌آرا نشوند او با عنوان حفظ امنیت به سرعت تمام موافقین شاه را دستگیر خواهد کرد. به همین دلیل یکی از افسران ارتش را مأمور ساخت تا در کنار خلیل طهماسبی حرکت کند و اگر او موفق به ترور نشد وی با گلوله کلت، رزم‌آرا را به قتل برساند.»

جالب این که خلیل طهماسبی به عنوان ضارب و قاتل معرفی می‌شود ولی او را نه تنها مجازات نمی‌کنند بلکه به عنوان قهرمان یا او برخورد می‌شود و عنوان مصاحبه با او در مجله «تهران مصور» ۳۰ آبان ۱۳۳۱ این است: چگونه رزم‌آرا را کشتیم؟

با این وصف اعداد او به همراه رهبر گروه -نواب‌صفوی- این ذهنیت را ایجاد کرده که به خاطر ترور نخست‌وزیر رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ بوده حال آن که بعد از کودتا و به اتهام سوءقصد به حسین علاء که نافر جام هم بود همراه اعضای اصلی فدائیان اسلام اعدام شد.

طهماسبی در ۶ آذر ۱۳۳۴ دستگیر و در سحرگاه ۲۷ دی ۱۳۳۴ به همراه سیدمجتبی نواب‌صفوی، مظفرعلی ذوالقدر و سیدمحمد واحدی اعدام و در گورستان مسگرآباد به خاک سپرده شد.

در آن مصاحبه که «تهران مصور» ۳۰ آبان ۱۳۳۱ منتشر کرد خلیل طهماسبی می‌گوید:

«از رجال مملکت نیز شنیدم که او (رزم‌آرا) سوءقصد پانزده بهمن [۱۳۲۷] را علیه جان اعلیحضرت همایونی ترتیب داده بود. حتی چند سال قبل از حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ باز او بود که در باغ‌شاه، در سر راه اعلیحضرت همایونی مواد منفجره گذاشت و این موضوع کشف گردید ولی او نزد اعلیحضرت رفت و برای متزلزل کردن وضع سرلشکر ارفع که در آن موقع رئیس ستاد بود اظهار داشت این کار به وسیله ارفع صورت گرفته، ولی من مانع انجام سوءقصد او نسبت به جان اعلیحضرت شده‌ام! ... در سایه همین عملیات خلاف قانون بود که رزم‌آرا توانست به مقامات عالی برسد و حتی مسند نخست‌وزیری را اشغال کند. اما بعدها اعلیحضرت همایونی پی بردند که سوءقصد ۱۵ بهمن به تحریک رزم‌آرا صورت گرفته بود.»

آن گونه که دکتر سلیمانی دهکردی نوشته از سه دلیلی که برای قتل رزم‌آرا برمی‌شمارد، دو دلیل از آن به این خاطر است که رزم‌آرا اراده سوءقصد به جان «اعلیحضرت همایونی» داشته است. به‌واقع خلیل طهماسبی به‌صراحت می‌گوید در مقام منتقم جان شاه عمل کرده است.

بدین ترتیب اکنون و بعد از ۷۴ سال، ترور رزم‌آرا معما نیست. معما این است که چرا خلیل طهماسبی همچون یک قهرمان ستایش شد و با مصوبه مجلس از مجازات جست که جز اعدام نمی‌توانست باشد ولی به سوی تروری دیگر و این بار حسین علاء نخست‌وزیر بعد از زاهدی سوق داده شد و این نوبت به خاطر قتلی که رخ نداده بود در مقابل جوخه آتش قرار گرفت؟

جالب این که ۷ سال بعد هم شاخه نظامی مؤتلفه با هدف ادامه راه فداییان اسلام دست به ترور حسن علی منصور زد و باز از اسدالله علم گذشتند تا برخی این فرضیه را مطرح کنند که با سیاست‌مداران متمایل به آمریکا کار داشتند نه با آنها که با انگلیسی‌ها سر و سری داشتند؛ چندان که از همسر منصور نقل می‌کنند در بیمارستان پارس و در روزهای اول بهمن ۱۳۴۱ که منصور بستری بود بر سر رفیق و وزیر دارایی کابینه او فریاد کشیده آن قدر آمریکایی بازی درآوردید که آنها هم گشتند.

در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ هم اسدالله علم با اینکه همراه رزم‌آرا بود اما خراشی هم ندید. در روزی که نخست‌وزیر ایران که از امرای بسیار کارآژموده و با هوش نظامی بالا در ارتش بود برای شرکت در مجلس ترجمین آیت‌الله فیض به مسجد شاه تهران (اکنون مسجد امام خمینی) رفته بود و هدف گلوله‌ای قرار گرفت که به خلیل طهماسبی نسبت داده شد و در همان حیاط مسجد جان باخت.

این را هم قبل از طرح فرضیه‌های مختلف درباره رزم‌آرا بدانیم خالی از لطف نیست که رزم‌آرا با انورالملوک هدایت خواهر صادق هدایت نویسنده نام‌دار ایرانی ازدواج کرده بود اما نه شهرت او به نویسنده ربطی داشت و نه آوازه صادق هدایت به این نسبت هر چند بعید نیست معمای این ترور در یاس بیشتر نویسنده ایرانی از امید به اصلاح مؤثر افتاده باشد.

با این همه اگر بخواهیم تمام فرضیه‌ها و جوانب ترور و حذف رزم‌آرا را از صحنه سیاست در ایران در نظر بگیریم این موارد را باید یادآور شویم یا نقل کنیم:

سیدمحمدعلی شوشتری - خفیه‌نویس رضاشاه پهلوی- در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: وقتی رزم‌آرا حکم عزل کفیل فرمانداری گرگان را صادر می‌کند در حالی که خود او قول ارتقا داده بود از شدت ناراحتی نزد سیدضیاءالدین طباطبایی می‌رود و شرح دیدار را چنین باز می‌گوید: «گفتم آقا می‌خواهم این قزاق را استیضاح کنم.